

فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال اول - پیش شماره اول - پائیز ۱۳۸۵

صص ۲۳۲ - ۲۱۱

جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر

مجید کفاشی* و سروش فتحی**

چکیده

جهانی شدن فرایندی اجتناب ناپذیر است که از قرن نوزدهم و بیستم شروع شده و همراه با فراز و نشیب‌هایی که هیچگاه بجز دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم متوقف نشده است، به تکامل خود ادامه داده است. این فرایند در طول مسیر ابتدا در بعد اقتصادی خود موفق بوده است و کم کم به سایر ابعاد گسترش یافته است. فقر نیز پدیده‌ای کهن و ریشه‌دار است که از همان ابتدای تشکیل اجتماعات بشری با آنها همراه بوده است.

اقتصاددانان با توجه به دیدگاه‌های خود، نظرات متفاوتی را در این زمینه ارائه می‌دهند، گروهی تأثیر جهانی شدن بر فقر را مثبت و عده‌ای نیز آن را منفی می‌دانند. در این تحقیق که با توجه به دیدگاه دوسویه تحلیل شده است، نتایج زیر به دست آمده است. فرایند جهانی شدن در میان کشورها برندگان و بازندگان را به دنبال داشته است. برندگان شامل کشورهای در حال توسعه‌ای می‌شوند که توانسته‌اند سیاستهای اقتصادی خود را به نحوی تدوین نمایند، که با ادغام در اقتصاد جهانی تهدیدات فرایند مذکور را به فرصت تبدیل کنند، و در مقابل

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

** مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

ممالک پازنده آنهایی هستند که نه تنها در این میان سودی نبرده‌اند. بلکه بسیار نیز متضرر شده‌اند. به طوری که نتوانسته‌اند معضل فقر در میان جوامع خویش را حل و فصل نمایند. بنابراین روند جهانی شدن اینکه به نگرانی‌های فزاینده‌ای در خصوص گسترش فقر و فقدان دستیابی به بازارهای جهانی به ویژه برای کشورهای مذکور مبدل گشته است. بر این اساس هدف تحقیق حاضر، نقد و بررسی و تحلیل فرایند جهانی شدن و تاثیرات آن بر فقر می‌باشد که با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) با استفاده از فیش برداری اطلاعات جمع‌آوری و نقد و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، فقر، اقتصاد، واگرایی، همگرایی، دوسویه، جوامع پیرامون

مقدمه

جوامع و اقتصادها در سراسر جهان هر چه بیشتر در حال ادغام شدن هستند. این همگرایی نتیجه کاهش هزینه‌های حمل و نقل، مقررات تجاری کمتر، ارتباطات سریع‌تر، افزایش جریان سرمایه و فشار مهاجرت می‌باشد. چنین روندی همان جهانی شدن می‌باشد که تاثیر فراوانی بر کاهش فقر - نه برای همه را - دارا می‌باشد.

جهانی شدن به این علت فقر را کاهش می‌دهد که اقتصادهای ادغام شده سریعتر به رشد دست می‌یابند. کشورهای کم در آمد با ورود به بازارهای جهانی صنایع و خدمات می‌توانند جمعیت فقیر خود را با مشاغل بهتری، از آسیب‌پذیری رها سازند. جهانی شدن فاصله مشاغل یکسان را از نظر درآمد در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته را کاهش می‌دهد.

مضاف بر این، جهانی شدن سبب بُرد و باخت در داخل کشورها و یا در سطح بین‌المللی می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که فقر در میان کشورها رو به کاهش است. حدود ۳ میلیارد جمعیتی که اکنون در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند در دهه ۱۹۹۰ متوسط رشد ۳ درصد را تجربه نموده‌اند. در صورتی که این رقم برای کشورهای توسعه یافته در خلال مدت مذکور ۲ درصد بوده است. تعداد افراد با وضعیت معیشتی واقع در فقر (درآمد کمتر از یک دلار در روز) در بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ حدود ۱۲۰ میلیون نفر کاهش داشته است. علیرغم موارد

جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر / ۲۱۳

فوق هنوز حدود ۲ میلیارد نفر از قافله "جهانی شدن" عقب مانده‌اند که اکثر آنها در حالی با اقتصاد جهانی در حال ادغام می‌باشند که روز به روز درآمد آنها کمتر و میزان فقرشان بیشتر می‌گردد.

بنابراین آشکارا فرایند جهانی شدن برای این گروه از مردم چندان کار ساز نمی‌باشد.

جدول ۱: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در مناطق و دوره های گوناگون
(رشد سالانه، درصد) (مخاطبی، ۱۳۸۳: ۹۸)

۲۰۰۰/۸۹	۷۹/۸۰	۸۰/۷۳	۷۳/۶۰	
۷/۰	۶/۸	۵/۱	۳/۸	کشورهای در حال توسعه (الف)
۶/۱	۸/۲	۷/۶	۹/۱	چهار اژدهای آسیا (ب)
۳/۴	۴/۰	۶/۹	۴/۵	آفریقای شمالی (ج)
۳/۱	۳/۳	۲/۵	۴/۳	ایالات متحد آمریکا
۲/۹	۱/۵	۵/۲	۶/۰	آمریکای لاتین (د)
۲/۲	۲/۴	۲/۳	۴/۸	اتحادیه اروپا
۲/۰	۲/۰	۲/۰	۴/۰	آفریقای سیاه (ه)
۱/۷	۳/۹	۳/۴	۹/۶	ژاپن
-۴/۱	۲/۲	۴/۴	۵/۴	اروپای شرقی (و)

الف: چین، هند، اندونزی و کشورهای صنعتی شده در دومین موج.

ب: کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور.

ج: الجزایر، مصر، مراکش، تونس، منطقه‌ای که لیبی را مستثنا می‌کند و در اینجا از خاورمیانه جدا شده است.

د: مکزیک، آمریکای مرکزی و جنوبی

ه: سایر کشورهای آفریقا به استثنای آفریقای جنوبی. و: کشورهای وابسته به شوروی سابق و اروپای مرکزی و شرقی، با استثنا

داشتن کشورهای عضو یوگسلاوی

مشکلات این مردم این است که در کشورهایی زندگی می‌کنند که اغلب از موقعیت جغرافیایی نامناسب فقر در این مناطق، به سیاست‌های اصلاحی برای فراهم آوردن شرایط مطلوب جذب سرمایه‌گذاری، کمک به توسعه آموزش و بهداشت و تسهیل امر مهاجرت چه در داخل و چه در خارج دست می‌زنند. گرچه جهانی شدن در داخل کشورها نتوانسته است نابرابری را کاهش دهد.

رشد سریع در کشورهای در حال توسعه می‌تواند فرصتی مغتنم باشد، که سیاست‌های مطلوبی برای مردم فقیر اتخاذ گردد. پیش‌بینی می‌شود که اگر در کنار سیاست آزادسازی اقتصاد، عوامل دیگری در نظر گرفته نشود، میزان نابرابری در جامعه افزایش خواهد یافت. به طور مثال در امر آموزش، ارتقای مهارت افراد فقیر، مثبت می‌باشد که موجب بهبودی استانداردهای بهداشتی می‌گردد، و در نتیجه به افزایش بهره‌وری در رشد، که خود قدرت محرکه کاهش فقر می‌باشد، منجر می‌گردد. حمایت‌های اجتماعی صحیح می‌تواند به عامل موثری برای کمک به مردم فقیر در این فرایند پویا "جهانی شدن" تبدیل گردد.

تاثیر جهانی شدن بر فقر را تنها نمی‌توان از بعد اقتصادی مورد مطالعه قرار داد. قدرت، فرهنگ، و محیط زیست از عواملی هستند که در این فرایند بسیار مؤثر می‌باشند. دولت‌ها از قدرت انتخاب در مورد چگونگی اجرای سیاست‌های اقتصادی برخوردار هستند. سیاست درهای باز اقتصادی، کاهش تعرفه‌ها، ایجاد انگیزه رقابت، کاهش هزینه‌های تولید که سرانجام به افزایش درآمدها می‌انجامد، پایه و زیربنای کاهش فقر می‌باشد. در فرایند جهانی شدن کشورها با چالش فرهنگی مواجه می‌باشند، به همان نسبتی که جوامع همگرا می‌شوند به همان نسبت نیز از برخی جهات متنوع می‌گردند. بدون اتخاذ سیاست‌هایی برای تقویت فرهنگ بومی و دیگر سنت‌های فرهنگی، فرایند جهانی شدن ممکن است به تسلط فرهنگ آمریکایی در سایر مناطق کمک نماید. از طرف دیگر رشد جهانی، محیط زیست را تهدید می‌نماید. تخریب محیط زیست از عواملی است که ممکن است در فرایند جهانی شدن به هر چه فقیرتر شدن مردم منجر گردد. روند کنونی که به "مسابقه تا تخریب" معروف شده است نمی‌تواند جز با همکاری‌های بین‌المللی متوقف گردد.

از آنجائیکه فرایند جهانی شدن، امروزه به حقیقتی انکارناپذیر تبدیل شده است، بی‌بردن

به تاثیرات مثبت یا منفی آن بر پدیده‌های مختلف در دنیا نمی‌تواند خالی از اهمیت باشد. از طرف دیگر چون سازمان ملل متحد سال‌های بین ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ را به عنوان «دهه بین‌المللی ریشه‌کنی فقر» اعلام نموده است، لزومی ندارد که تاکید شود پدیده فقر اشخاص را از متن جامعه طرد می‌کند و آنان را به حاشیه می‌راند. میزان بالای سطح بیسوادی، سوء تغذیه، وضع نامساعد بهداشتی و جهل عمومی که دامنگیر مردم فقیر است، ناشی از وجود بی‌تفاوتی جامعه و سیاست در برابر آنها است. پیرامونی شدن از نظر اقتصادی به حاشیه‌ای شدن مدنی و سیاسی تبدیل می‌گردد. در کشورهایی که مردم فقیر بیشتر هستند، ماهیت جامعه مدنی برای اشخاص آشکار نیست.

از طرف دیگر هیچ صلح پاینداری در صحنه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نمی‌تواند بدون توسعه پایدار و درون‌زا از طریق ریشه‌کن کردن ناامیدی، فقر و جهل از متن جامعه، ماندگار باشد. زمین، پول، دانش فنی و مدیریت چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح داخلی از آن اقلیتی اندک می‌باشند و این نابرابری برای ثبات و امنیت جهانی تهدیدآور است. همان طوری که «فدریکو مایور»^۲ مدیر کل یونسکو در اجلاس جهانی توسعه در کینهاگ در سال ۱۹۹۵ اعلام کرد، ریشه‌کنی فقر یک واجب اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای بشر است. کسانی که در فقر زندگی می‌کنند نیازی به صدقه ندارند. آنان نیاز به تفویض قدرت دارند تا توانایی بالقوه و استفاده نشده خویش و جامعه را در برنامه‌های مشترک برای ایجاد آینده‌ای درخشان‌تر برای نسل‌های بعدی، مورد بهره‌برداری قرار دهند.

در نهایت چون ما نیز در کشوری زندگی می‌کنیم که به جهان در حال توسعه تعلق دارد، به نظر می‌رسد که تحقیق در این زمینه دارای اهمیت قابل توجهی برای مردم و تصمیم‌گیرندگان دارد.

روش پژوهش: روش مورد استفاده در این تحقیق به صورت روش اسنادی (کتابخانه‌ای) است که با استفاده از فیش برداری اطلاعات جمع‌آوری شده است، و سوال اصلی تحقیق عبارتست از اینکه آیا جهانی شدن بر فقر تأثیر دارد؟ فرضیه تحقیق نیز چنین است: به نظر می‌رسد فرایند جهانی شدن بر فقر تأثیر دارد.

تعریف مفاهیم الف: جهانی شدن

مفهوم «جهانی شدن» (Globalization) در فرهنگ علوم اجتماعی «نلسون»^۱ چنین تعریف شده است: «روند جهانی شدن عبارت از روند گسترده بین‌المللی شدن ارتباطات و سازمان‌های اقتصادی و تجاری است، و در حوزه اقتصاد آن را می‌توان در موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و افزایش گسترده میزان تجارت بین‌المللی و رشد وابستگی متقابل بررسی کرد».

«آنتونی گیدنز»^۲ جهانی شدن را پدیده‌ای اقتصادی می‌داند که بر اساس آن ارتباطاتی در سطح جهان به وجود می‌آید و یا می‌توان گفت که اقتصادی جهانی متولد شده است و یا در حال به دنیا آمدن است، که در آن اقتصادهای ملی مجزا و همچنین راهبردهای مدیریت اقتصادی داخلی، روز به روز اعتبار خود را بیشتر از دست می‌دهند (سجادی، ۱۳۸۲: ۶۸).

از نظر «رابرت کوکس»^۳ ویژگی‌های روند جهانی شدن عبارت است از بین‌المللی شدن تولید، تقسیم کار جدید بین‌المللی، حرکت مهاجرت از جنوب به شمال و محیط رقابتی جدید که در جریان جهانی شدن پیدا می‌شود (نادران، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

به اعتقاد «بیکر»^۴ «ایستین»^۵ «پولین»^۶ جهانی شدن شامل رشد سریع یا سطح بالایی از همکاری‌های اقتصادی بین دولت‌ها و کشورها و اقتصادهای ملی است (نادران، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

«بارتسلون»^۷ جهانی شدن را انتقال (Transformation)، دگرگونی و استعلاء است (Transcendence) (قره باغیان، ۱۳۷۶: ص ۴۱۲).

ب: فقر

واژه فقر (Poverty) از ریشه لاتین (Pauper) می‌آید که با کلمه (Paucus) و یونانی (Penes) به معنی فقیر و (Penia) به معنی فقر قرابت داشته و با (Peenia) به معنای

1. Nelson.
2. Anthony Gidenz
3. Robert Cox.
4. Baker Epstein and Pollin.
5. Bartsellon.

گرسنه هم خانواده بوده و با واژه (Ponos) به معنی درد و کلمه (Poine) به معنی مکافات و مجازات نیز هم خانواده است. بنابراین فقر در یونانی با واژه (Aporia) به معنی راه به جایی نداشتن، مشکلی که فقیر با آن دست به گریبان است تعریف می شود (پاول، ۱۳۷۴ ص ۷۸).

ریشه یونانی به دو امر در واقع مثبت بر می گردد، اگر چه هر دو درد آور است. یکی از آن دو ریشه بیولوژیک یعنی گرسنگی و دیگری ماهیتی روانشناختی دارد. بنابراین می توان گفت که ریشه یونانی فقر شامل ابعاد مختلفی است که عبارتند از:

۱- بعد اقتصادی فقر

فقر اقتصادی به معنی عدم توانایی کسب درآمد برای مصرف و نداشتن دارایی که از نظر تامین مواد غذایی و رفاه مادی و وضعیت اجتماعی دارای اهمیت می باشد. از موارد دیگر عدم دسترسی به منافع فیزیکی و مالی مانند زمین، حیوانات، ابزار کار، جنگل، آب، ماهیگیری، اعتبار و شغل شرافتمندانه می باشد (پاول، ۱۳۷۴ ص ۸۰).

۲- بعد انسانی فقر

این بعد شامل بهداشت، سواد، دسترسی به مواد غذایی، آب سالم و مسکن می باشد که از اهداف و ابزار توسعه محسوب می شوند. آموزش و به ویژه آموزش دختران به عنوان عامل منحصر به فرد و موثر برای کاهش فقر به شمار می رود. بیماری ها مخصوصاً آیدز و باروری زیاد نیز از دیگر عوامل فقر می باشند. بیماری و بیسوادی مانع اشتغال و مانع رفاه هستند. تسهیلات خواندن و نوشتن و ارتباط با دیگران در مشارکتی سیاسی و اجتماعی از عوامل قطعی می باشند (پاول، ۱۳۷۴ ص ۸۰).

۳- بعد سیاسی فقر

توانایی سیاسی به معنی برخورداری از حقوق بشر از طریق سخن گفتن و تا حدودی قدرت نفوذ در سیاست گذاری های عمومی و اولویت های سیاسی می باشد. محرومیت از آزادی های سیاسی یا حقوق بشر انسانی که یکی از ابعاد اصلی فقر می باشد، شامل رفتار خشن، غیر عادلانه و خود سرانه توسط پلیس یا سایر مقامات دولتی که اغلب با نگرانی آن را مطرح می نمایند.

ناتوانی سیاسی سایر جنبه‌های فقر را برجسته‌تر می‌سازد. ناتوانی سیاسی در اطلاعات سیاسی نقش ندارد و برای از میان برداشتن فقر به منابع مورد نظر دسترسی پیدا نمی‌کند (پاول، ۱۳۷۴: ۸۰).

۴- بعد فرهنگی و اجتماعی فقر

نگرانی از عدم توانایی در مشارکت به عنوان عضوی با ارزش در جامعه از نشانه‌های فقر فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. برای فقیر این مساله پر اهمیت است که از نظر شرایط اجتماعی و فرهنگی عامل اصلی فقر به سایر عوامل در میان فقرا شناخته می‌شود (پاول، ۱۳۷۴: ۸۰).

۵- بعد حماسی فقر

عدم توانایی مقاومت در برابر شوک‌های خارجی و اقتصادی را می‌توان یکی از ابعاد فقر دانست. عدم امنیت و آسیب‌پذیری نسبت به سایر ابعاد فقر از اهمیت زیادی برخوردار است. به اعتقاد خود فقرا مواردی چون گرسنگی و عدم امنیت غذایی در مقابل سایر خطرات مانند بیماری، جرم و جنگ از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشند.

دیدگاه‌های نظری در مورد تاثیر جهانی شدن بر فقر

جهانی شدن بزرگترین رویداد عصر ما است و فقر پدیده‌ای است که جمعیت زیادی از مردم جهان را دامن‌گیر خود نموده است. بنابراین توجه به تاثیر فرایندهای جهانی شدن بر وضعیت مردم فقیر می‌تواند نظر عده زیادی از دانشمندان علم اقتصاد را به خود معطوف نماید. مشابه هر بحث دیگری، اظهار نظر در این مورد نیز موافقان و مخالفانی را برای خود ایجاد نموده است. به طور کلی تاثیر جهانی شدن بر فقر را می‌توان از دو دیدگاه کاملاً متمایز و یک رویکرد میانه و معتدل مورد بررسی قرار داد (کیانی، ۱۳۸۰ص ۸).

الف: دیدگاه واگرایی

این نگرش به رهیافت واگرایی موسوم است و معتقد است که با فرایند جهانی شدن فقر از میان نمی‌رود. تاکید اصلی این رهیافت بر مفهوم نابرابری استوار است. به اعتقاد طرفداران این دیدگاه حرکت اصلی فرایند جهانی شدن به سمت افزایش نابرابری‌ها میان ملت‌ها، افراد و مناطق

میل دارد. جهانی شدن منجر به ایجاد شکاف های عمیق اقتصادی در دو بخش غنی و فقیر دنیا گردیده است.

تحلیل توان اقتصادی این دولت ها در برابر فرایند قطب ساز جهانی شدن، موجب گشته است تا آنها نتوانند قاطعانه به مشکلات اجتماعی، سیاسی و نهایتاً اقتصادی خود بپردازند. نظام سرمایه داری جهانی عملاً سعی دارد تا مقررات زدائی از بازارهای مالی، استقلال عمل و کار آمدی خط مشی های اقتصادی را تضعیف کند. به نظر طرفداران این نگرش آنچه مسلم است، این است که صاحبان صنعت و فن آوری حاضر نخواهند بود تا با انتقال فناوری خود به جوامع در حال توسعه، رشد اقتصادی این کشورها را تضمین نمایند. به بیان روشن تر پیشرفت تکنولوژیک، در نا برابری میان دولت ها و سایر گروه ها سهم بسزایی داشته است. نتیجه چنین تحولاتی جز این نخواهد بود که قدرت های بزرگ با تسلط بر دنیای تجارت، اطلاعات و ارتباطات، موجب شوند تا جهانی شدن، به زمینه مناسبی برای اعمال و افزایش سلطه طلبی های آنان تبدیل شود. بنابراین طبق این دیدگاه جهانی شدن نه تنها منجر به کاهش فقر نمی شود، بلکه در برخی موارد به افزایش آن کمک می کند.

ب: دیدگاه همگرایی

دیدگاه دوم که به همگرایی موسوم است، معتقد است که به طور حتم جهانی شدن رفاه نسبی را برای همه جهانیان به ارمغان می آورد و فقر را ریشه کن می نماید.

طرفداران این دیدگاه به توانایی عوامل اقتصادی در ایجاد رشد و پیشرفت در جوامع در حال توسعه، بسیار خوش بین و بر این باور است که جهانی شدن اقتصادهای ملی از راه گسترش فناوری و انتقال آن به کشورهای در حال توسعه، انتقال سریع منابع مالی و تلاش شرکت های فراملی بر اساس توسعه سهم بازار خود، این دولت ها را با چنان قدرتی رو به رو خواهد کرد که به راحتی می توانند در برابر تمام فشارهایی که آنها را به سوی واگرایی سوق می دهد، مقاومت نمایند و آن را از میان بردارند. طبق این دیدگاه گشایش دروازه ها به سوی منابع مالی خارجی، توان رقابت بین المللی دولت های مزبور را بالا می برد و به آنان مزایایی چون انتقال فن آوری، هنر مدیریت، دسترسی به بازارهای صادراتی، کاهش در هزینه تولید سرمایه ها و ایجاد تنوع در زمینه سرمایه گذاری را خواهد بخشید (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

از این رو دیدگاه مزبور ضمن تشویق دولت‌ها به گام برداشتن در مسیر دموکراسی و انتقال قدرت به سوی مقامات محلی و منطقه‌ای، بر این نکته تأکید دارد، که دولت‌ها باید با اقداماتی چون خصوصی سازی، آزادی تجاری، زمینه را برای سرمایه‌گذاری هر چند بیشتر در کشورهای خود هموار نمایند. اگر کشورهای در حال توسعه خواهان کاهش هزینه‌ها هستند باید با دسترسی آزاد به بنگاه‌ها شرایط را برای سرمایه خارجی تسهیل نمایند. خلاصه این که طبق دیدگاه هم‌گرایانه، توسعه و پیشرفت کشورهای در حال توسعه، تنها از یک طریق و آن هم ادغام اقتصاد ملی با نظام اقتصاد جهانی امکان‌پذیر است. طبق این دیدگاه با افزایش درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه زمینه‌های کاهش فقر فراهم می‌گردد.

ج: دیدگاه دو سویه

در کنار دو دیدگاه قبلی نگرش سومی نیز وجود دارد که با جهانی شدن و تاثیر آن بر فقر برخورداردی دو سویه دارد. بر اساس این رهیافت با این که جهانی شدن الزاماً موجبات رشد و توسعه را در تمام کشورها فراهم نمی‌آورد. اما فاصله گرفتن از آن نیز امکان پذیر نمی‌باشد زیرا نظر طرفداران این دیدگاه جهانی شدن در مناطق و کشورهای مختلف آثار و نتایج متفاوت بر فقر دارد. بر این اساس نحوه تنظیم خط و مشی‌های اقتصادی از سوی جوامع در حال توسعه نقش اساسی در رشد و توسعه و به تبع آن کاهش فقر در میان آنها خواهد داشت. این دیدگاه جهانی شدن را الزاماً موجب رفاه و ثروت در بین تمامی جوامع نمی‌داند اما معتقد است که با تنظیم سیاست‌های واقع‌بینانه و منطقی از سوی کشورهای در حال توسعه در قالب برنامه مدیریت کارآمد امکان توسعه یافتگی تحقق پذیر است (دهشیری، ۱۳۷۹: ۹۲۰).

بر اساس این دیدگاه فرایند همگرایی، توان بالقوه‌ای در ایجاد منافع کلان برای کشورهای در حال توسعه را دارد. اما همانطوری که بیان شد وصول و تحقق این دستاوردهای بالقوه، مستلزم مدیریت کارآمد چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی برای کاهش هزینه‌های اجتماعی سیاست‌های معطوف به همگرایی در اقتصاد جهانی است.

با گروه‌بندی دیدگاه اندیشمندان در موضوع جهانی شدن و تاثیر آن بر فقر لازم است که در اینجا به طور جداگانه به نقطه نظرات برخی از آنان پرداخته شود.

مخالفان تأثیرات مثبت جهانی شدن بر فقر

«جوزف استیگلیتز»^۱ اقتصاد دان برنده جایزه نوبل با این عقیده که جهانی شدن برای همه مفید می باشد، بسیار مخالف است. او در کتاب خود به نام «تفکر مجدد در مورد معجزه آسیایی»^۲ ادعا می کند که علی رغم ۳۰ سال پیشرفت در رشد سریع. کاهش چشمگیر فقر در این منطقه را باید واقعاً نوعی معجزه دانست. به عقیده او هیچ منطقه‌ای دیگر از جهان تا کنون نتوانسته است تا این حد، انباشت سرمایه در چنین مدت کوتاهی داشته باشد و در کنار آن توانایی جذب سرمایه گذاری مناسب را نیز فراهم آورد.

این اقتصاددان در مورد جهانی شدن معتقد است که این روند نیروی قدرتمند برای کشورهای چین و دیگر کشورهای آسیای شرقی محسوب می شود، که می توانند از امتیازات آن به نفع خود استفاده نمایند و برنامه‌های خود را مدیریت کنند اما از طرف دیگر فرایند جهانی شدن می تواند خطری علیه منافع فقرا نیز باشد. به همین سبب است که موجب آگاهی‌های بسیاری در سراسر جهان گشته است. ورود صندوق بین المللی پول به کشورهای فقیر و اصرار بر سیاست‌های ادغام می تواند به ضعف عمیق تر اقتصادهای این ممالک بینجامد. «استیگلیتز» علت مخالفت خود با صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را فقدان شفافیت عملکرد و عدم پاسخگویی آنها می داند. او در کتاب خود می نویسد بعید است که جهانی شدن توان کمک و یاری به کشورهای در حال توسعه را داشته باشد. بنابراین اصلاحات مورد نظر در این فرایند طوری طراحی گردد که برای جمعیت فقیر دنیا کارساز باشند. برخی از کشورها بدون غفلت از رشد اقتصادی، نتوانسته اند در وضعیت مردم فقیر خود بهبودی نسبی به وجود آورند، که کشورهای آسیای شرقی از آن جمله می باشند. به طور مثال ویتنام علی رغم نگرانی‌های خود به جهت عدم ثبات اجتماعی نتوانسته است نرخ فقر را به میزان زیادی در این کشور کاهش دهد.

«استیگلیتز» معتقد است که جهانی شدن در نظر اول چنین می نماید که می تواند امتیازات بسیاری را برای همگان به ارمغان آورد و مردم عالم را از نظر سطح زندگی به هم نزدیکتر نماید و درهای فرصت‌ها را برای ملت‌های کمتر توسعه یافته، باز نماید. اما این دیدگاهی آرمان گرایانه‌ای بیش نیست، زیرا که دنیا را با بیکاری و فقر مواجه می سازد. استراتژی انباشت سرمایه توسط ملت های غنی تر و انفجار جمعیت فقیر از دیگر موارد می باشد.

او همچنین ادامه می‌دهد که بر اساس نظر کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های تجارت آزاد و اعلام صندوق بین‌المللی کودکان ملل متحد حدود ۷۰ درصد از فقیران دنیا را زنها تشکیل می‌دهند، که این از اثرات تولد اجتماعی بیمارگونه جهانی شدن می‌باشد. اکنون نیز با وجود توسعه سریع همچنان ادامه دارد. هنوز در جوامع فقیر زنان مجبور به تحمل مصائب بیشتری در عصر حاضر هستند. سیستم‌های اقتصادی مدرن آمیخته شدن جنسیت کارگران و قاچاق زنان را به یک صنعت جهانی تبدیل کرده‌اند.

«استیگلیتز» که از چپ‌گرایان نو می‌باشد، از یک طرف به آرمان‌های قدیمی وفادار است و علاقمند به زندگی در جامعه‌ای غازی از فقر می‌باشد و از سوی دیگر خواهان تجربه کردن دموکراسی نیز می‌باشد. او در تحقیق خود در گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۳ مربوط به صندوق اظهار می‌دارد که به طور کلی حقوق کارگران در این مناطق رعایت نمی‌شود. تخریب زیستگاه‌های طبیعی، آلودگی هوا، آب و خاک را نمی‌توان به عنوان مزیت نسبی مبادله آزاد پذیرفت.

موافقان تأثیرات مثبت جهانی شدن بر فقر

در کنار افرادی که معتقدند جهانی شدن فقر را کاهش نمی‌دهد، عده‌ی زیادی از اقتصاد دانان نیز بر این نظریه که جهانی شدن به طور حتم فقر را کاهش می‌دهد تأکید دارند. «کلاس شواب»^۱ رئیس مجمع اقتصادی جهان، در مصاحبه‌ای با روزنامه تایمز مالی بیان می‌کند که به آینده دنیا در فرایند جهانی شدن امیدوار می‌باشد. او فرایند جهانی شدن کنونی را مشابه با وضعیت دوران انقلاب صنعتی می‌داند. در آن زمان نیز مردم احساس می‌کردند که مورد تهدید قرار گرفته‌اند. اکنون برخی از مردم بیم آنرا دارند که در این فرایند وضعیت آنان بدتر شود همانطوری که در آغاز انقلاب صنعتی چنین احساسی وجود داشت. افراد در آن زمان موتورهای بخار را تخریب می‌کردند اما نتیجه چه شد؟ موضوع مهم این است که زمان هیچگاه به عقب باز نمی‌گردد.

«پتر ساترلند»^۲ دیپلمات سابق سازمان تجارت جهانی، در مقاله خود در مجله مالیه و

1. UNICEF
2. Class Showab
3. Peter Saterland.

توسعه اظهار میدارد که علیرغم اعتقاد برخی از مخالفین سر سخت جهانی شدن، تصور می شود شرکت های چند ملیتی به هیچ چیز غیر از استثمار زحمتکشانشان و فرار از مالیات فکر نمی کنند. شواهد نشان می دهد که کشورهایی که در این میان موفق گشته اند، ممالکی بوده اند که توانسته اند سرمایه گذاری خارجی را به نحو احسن جذب نمایند. در این کشورها سطح دستمزدها تا حد قابل ملاحظه ای بالا رفته و استانداردهای محلی در زمینه های کلیدی مدیریت تکنولوژی در محیط زیست ارتقا یافته است. این امر موجب شده است که کشورهای مزبور به شکلی مدیریت موثر در فرایند «جهانی شدن» مشارکت ورزند.

او ادامه می دهد که مشکل واقعی در رابطه با جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر بر خلاف نظر مخالفان این است که کشورهای ثروتمند سهم بیشتری از رشد تجارت و سرمایه گذاری های فرامرزی را می برند. به عنوان مثال تمام کشورهای در حال توسعه جهان از جمله ۶ کشور تازه صنعتی شده جنوب شرقی آسیا روی هم تنها ۲۰ درصد از کل سرمایه گذاری های مستقیم خارجی را جذب کرده اند و یا فقط ۲۷ درصد از کل صادرات جهان به این کشورها اختصاص داشته است.

«ساترلند» می افزاید: که اکنون بسیاری از سیاستمداران، بازرگانان و شهروندان عادی کشورهای در حال توسعه از صمیم قلب به ضرورت مشارکت فعالانه در فرایند جهانی شدن برای کاهش فقر پی برده اند. بر اساس یک نظرخواهی که اخیراً مجمع جهانی اقتصاد انجام داده است، مردم کشورهایی چون چین و هند نسبت به جهانی شدن نظر مثبتی داشته اند. زیرا که معتقدند آزاد سازی اقتصادی و گشودن درهای کشور بر روی اقتصاد جهانی، شرط لازم برای ارتقای سطح زندگی آنهاست و فرصت های نوینی را پیش روی ایشان قرار می دهد.

این اقتصاد دان معتقد است که در واقع تجارت آزاد امکان بهره برداری از مزایای نسبی را برای کشورهای جهان فراهم می آورد، و در کنار واردات و صادرات کالا و خدمات امکان تبادل سیاست ها و اندیشه های نوین و طرد سیاست های فاسد و ناکارآمد را فراهم می آورد. چنانچه «جان استوارت میل» به درستی در کتاب خود تحت عنوان «اصول سیاسی» خاطر نشان می سازد که پیامد های فکری و اخلاقی تجارت آزاد، از مزایای اقتصادی آن بسی فراتر می رود.

او همچنین خاطر نشان می‌سازد که مهمترین وظایفی که در حال حاضر رویا روی سیاست مداران غرب قرار دارد، آزاد سازی تجارت در بخشی‌هایی است که کشورهای در حال توسعه بیشترین مزیت نسبی را در آن دارند. او تصمیم «جورج دبلیو بوش» به حمایت از صنایع نا کارآمد آمریکا و افزایش سوبسید در بخش کشاورزی این کشور را گامی به عقب محسوب می‌نماید و معتقد است که این اقدامات از سوی کشوری که خود را پیشتاز فرایند جهانی شدن، و موتور محرکه اقتصاد جهانی می‌داند بسیار تاسف آور است.

«ساترلند» در مورد ترتیباتی برای کشورهای فقیر در خاتمه می‌افزاید که حتی در صورت کاهش موانع تجاری موجود در کشورهای صنعتی باز هم مالک فقیر نخواهند توانست از آن کاملاً منتفع شوند، مگر آنکه آنها نیز به حمایت بی حد و حصر از بازارهای داخلی خود پایان دهند و بساط مقررات و قوانین دست و پاگیر را برچینند. تعرفه‌های سنگینی که این کشورها بر واردات کالاها می‌تولید داخل وضع می‌کنند. به مرور ایام توانایی رقابت در بازارهای جهانی را از نگاه‌های داخلی سلب می‌کند. یکی از جنبه‌های مهم آزادسازی تجاری، تشدید رقابت است. رقابت، خون جدید به کالبد اقتصاد تزریق می‌کند و جنبه دیگر مبارزه با فساد است که هر کجا خطوط قرمز حمایت گرانه تری اعمال شود؛ فساد پدیدار می‌شود. او در خاتمه بیان می‌کند که کشورها خود مسئول کامیابی و شکست خویش هستند اگر چه حسن مدیریت الزام و همیشه به معنی موفقیت نیست. اما بدون تردید سوء مدیریت به منزله شکست است و متأسفانه کشورهای فقیر نمونه‌های فراوانی از سوء مدیریت را به جهان عرضه نموده‌اند. فساد، جنگ و باند بازی نخبگان علت عقب ماندگی این کشورها می‌باشد.

«پیتر مارتن»^۱ (سر دبیر بخش بین‌المللی فایننشال تایمز^۲ از دیگر موافقان جهانی شدن و تاثیر مثبت آن بر فقر زدایی معتقد است، جهانی شدن یعنی ادغام سریع جوامعی که پیش‌تر در عرصه تعاملات جهان به حاشیه رانده شده بودند و بهترین چیزی است که برای سرنوشت نسل بعد از جنگ جهانی دوم روی داده است. بر خلاف گفتگوهای تصنعی و ساختگی بین کشورهای شمال و جنوب، جهانی شدن نوع جدیدی از همکاری بین جوامع فرهنگ‌ها را ایجاد کرده است

1. Peter Marten.
2. Financial Times.

که از استحکام بالایی برخوردار است.

این روزنامه نگار مدعی است که نتایج مثبت جهانی شدن به طور مستقیم بر اقتصاد برخی از کشورها کاملاً مشهود است. به طوری که دسته‌ای از جوامع توانسته‌اند از فرصت‌های این فرایند، که برخی معتقدند نتیجه جهانی شدن افزایش بیش‌تر بازنده‌ها است تا برنده‌ها، استفاده نمایند. در حالیکه مطالعات آماری صورت گرفته در خصوص دوره پس از جنگ خلاف آن را ثابت می‌کند.

«گی دو ژونکر»^۱ نیز به عنوان سردبیر بخش اقتصاد و تجارت بین‌المللی مجله فایننشال تایمز، یکی از موافقان جهانی شدن و تأثیرات مثبت آن می‌باشد. او معتقد است دولت‌هایی که با جدا ساختن اقتصاد کشورهای خویش از بازارهای جهانی در رقابت اقتصادی در عرصه بین‌المللی، عملاً دست‌رد بر سینه جهانی شدن زده‌اند؛ اگر به وضعیت کنونی آنها نظری بیفکنیم کاملاً پیامدهای مخالف با جهانی شدن در آنها مشهود می‌گردد. پایان کار اقتصاد کشورهای نظیر کوبا، کره شمالی، لیبی و عراق جز فرسودگی صنعتی، قحطی، کمبود مواد اولیه لازم برای زندگی و سرانجام فقر و گرسنگی چیز دیگری نمی‌باشد.

او در ادامه می‌افزاید: این درست است، که نشانه‌هایی از انزجار و نفرت مردم در برابر الزامات و سختی‌های آزادسازی تجارت و اقتصاد در مناطق مختلف دنیا مشاهده می‌شود و یا در آمریکای جنوبی برخی دولت‌ها پس از قبول قواعد جهانی شدن اقتصاد و تجارت با مشاهده این تشدید رشد اقتصادی، فقر را کاهش و سطح زندگی را به همان سرعتی که می‌خواست‌اند افزایش نداده‌اند، از حصول نتیجه مطلوب جهانی شدن ناامید شده‌اند و یا بحران مکزیک را نشانه‌ای بارز از خطرات جهانی شدن اقتصاد و بازار می‌دانند، اما تجربه نشان می‌دهد که اصلاحات اقتصادی انجام گرفته در این مناطق روند مطلوبی را طی نکرده‌اند. ریشه کن کردن فقر و بیماری، مستلزم اتخاذ سیاست‌های موثر اجتماعی است که در سایه آن بتوان به وضعیت آموزش و بهداشت جامعه سامان بخشید. درسی که از تجربه بحران مکزیک می‌توان گرفت، این است که اصلاحات اقتصادی و بازار با بی‌انضباطی مالی دولت‌ها به سرانجام نخواهد رسید.

دیدگاه دو سویه مربوط به تأثیرات جهانی شدن بر فقر

همانطور که قبلاً عنوان شده است در کنار موافقان و مخالفان تأثیرات مثبت جهانی شدن بر فقر، عده‌ای نیز فرایند جهانی شدن را، هم منجی می‌دانند و هم مهلک. از نظر آنها این فرایند در تمامی ابعاد خود دارای قواعد بازی خاصی است، که اگر دولت‌ها بخواهند سعادت شهروندان خود را تأمین نمایند، ناچار دستمزدها، نا‌بسامانی شرایط کاری، نا‌امنی شغلی را که سبب عمیق‌تر شدن شکاف اغیا و فقرا است، رعایت نمایند. در برخی دیگر از ممالک منادی رشد رفاه اقتصادی در کنار کاهش فقر می‌باشد.

«ادواردو آنی‌نات» معاون مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۳ اعتقاد دارد که جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاداندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در سراسر دنیا میسر می‌شود و موجبات رفاه و سعادت بیش‌تر شرکت‌کنندگان را فراهم می‌سازد. اکنون مشخص شده است که جهانی شدن نقش بسزایی در آینده بشر امروزی دارد اما هیچ تضمینی وجود ندارد که همگان به یکسان از مزایای این پدیده بهره‌مند شوند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که به طور کلی رشد اقتصادی ناشی از جهانی شدن موجب کاهش فقر می‌شود، اما میانگینی که در این بررسی‌ها به دست می‌آید، معمولاً آثار منفی این پدیده را در برخی از کشورها نشان نمی‌دهد. به علاوه اکنون سئوالات بسیاری درباره تأثیر اصلاحات ساختاری و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی بر زندگی فقرا مطرح است که بی‌جواب مانده است. به طور مثال چه وقت رشد اقتصادی به نفع فقرا و چه وقت به زیان آنها است.

«آنی‌نات» در فرایند جهانی شدن و برای حصول به نتایج مثبت آن به مسأله «مدیریت بهینه» اشاره می‌کند که باید بتواند با چهار چالش عمده برای کاهش فقر مقابله نماید:

الف) کمک به کشورهای فقیری که سیاست‌های تعدیل و اصلاحات ساختاری را دنبال می‌کنند.

ب) تقویت ثبات بازارهای بین‌المللی.

ج) کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته برای دسترسی بهتر به این بازارها.

د) ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی جهان.

«لوتس ارنولد»^۱ استاد اقتصاد نظری در دانشگاه گویزبورگ^۲ انگلیس در مقاله‌ای به نام «جهانی شدن مسابقه‌ای بدون بازنده» ادعا می‌کند که جهانی شدن این ظرفیت را دارد که به افزایش استاندارد زندگی همه ملت‌ها منجر شود و در عین حال این امکان نیز وجود دارد که جهانی شدن رفاه برخی ملت‌ها را با خطر مواجه سازد. به همین سبب به نهادها و موسساتی نیاز می‌باشد که بتواند شرایط لازم را برای عملکرد مطلوب بازارها فراهم آورد. برای ایجاد چنین سازمان‌هایی به زمان کافی احتیاج است. اما هیچکس این زمان را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار نمی‌دهد. به جای این کار معمولاً در مان‌های شوک آور به این کشورها تجویز می‌شود. سازمان‌های اقتصادی و در راس آنها صندوق بین‌المللی پول به جای آنکه از کشورهای در حال توسعه بخواهند که روند اصلاحات را به صورت اساسی و زیر بنایی انجام دهند، خواستار آزادسازی سریع بازارهای مالی و کالا در این کشورها می‌باشند. در حالی که کشورهای ششمان برای تطابق خود با روند جهانی شدن و تجارت آزاد، چندین دهه زمان صرف کرده‌اند اما از کشورهای جنوب خواسته می‌شود که در یک چشم به هم زدن به جهانی شدن و مقتضیات آن تن دهند.

«مارتین ولف»^۳ معاون سر دبیر و روزنامه نگار اقتصادی فایننشال تایمز نیز بر این عقیده است که دولت‌ها می‌توانند شهروندان خود را زندانی کنند، اما نمی‌توانند زندانی‌ها را مجبور کنند تا روحیه‌ای شاد داشته باشند! آشکار است اگر آلمان شرقی را با آلمان غربی، کره شمالی را با کره جنوبی و یابن را با تایوان مقایسه کنیم، متوجه خواهیم شد که گروه اول خود را از اقتصاد جهانی جدا کردند و گروه دوم رای به ادغام در اقتصاد جهانی دادند و پس از ۴ سال درآمد واقعی آنها ۳ برابر گردید.

نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر سعی شده است که از رویکرد آخر، یعنی برخورد دو سویه با فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر فقر استفاده گردد. با استفاده از مطالعات گوناگون و آمارهای به دست آمده چنین به نظر می‌رسد که جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه‌ای که در اقتصاد جهانی

1. Lutes Arnold
2. Gülsborough.
3. Marteen Wolf

ادغام شده‌اند، موجب کاهش چشمگیر فقر شده است. اما از جانب دیگر ممالکی که نتوانسته‌اند خود را با این روند همسو کنند از فقر همچنان رنج می‌برند.

همانطور که عنوان شد فرایند جهانی شدن معاصر، به نیرویی برای کاهش پدیده فقر تبدیل گشته است و توانسته است برخی کشورهای فقیر را یاری دهد، تا فاصله خود با کشورهای ثروتمند کمتر نمایند. در کنار این موفقیت‌ها، برخی نگرانی‌ها نیز از بابت جهانی شدن گسترش پیدا کرده است. اما آمارها و ارقام و تحقیقات انجام شده همگی نشان می‌دهند که جهانی شدن اقتصاد، تاثیر بسزایی بر جمعیت فقیر دنیا داشته است و نتایج نامطلوب آن نیز به تدریج در حال کاهش است.

کشورهای در حال توسعه ادغام شده در فرایند جهانی شدن، پیشرفت‌های چشمگیری در بعد آموزشی و بخصوص در مقطع ابتدایی داشته‌اند. کاهش مرگ و میر نوزادان در این کشورها بیانگر این نکته است که در بیشتر مناطق این ممالک سرمایه‌گذاری‌های تکمیلی در بخش خدمات اجتماعی برای تضمین منافع فقرا در روند و توسعه انجام گرفته است.

درست است که همگرایی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، به نیرویی مثبت برای رشد و کاهش فقر تبدیل شده است، اما بدون تردید در این میان و بخصوص در دوره‌های کوتاه و موقتی برندگان و بازندگان ظهور خواهند کرد که متعلق به هر دو دنیای شمال و جنوب هستند. بسیاری از منافع پویای تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند زیر و زبر کردن و تغییرات اساسی دادن برنامه‌های اقتصادی است. با این عمل کارخانجاتی که کارآیی ندارند از چرخه تولید خارج می‌شوند و در عوض صنایع جدید و قابل رقابت پدید می‌آیند که در نتیجه بازارهای کاری بیشتر ظهور پیدا می‌کنند.

فرایند جهانی شدن، برندگان و بازندگانی را در دنیا دارد. برندگان همان کشورهای هستند که از دهه‌های قبل از فرصت‌های جهانی شدن کمال بهره را برده‌اند و اینک خود در زمره کشورهای شمال قرار دارند و تقریباً در آنها آثاری از فقر گسترده دیده نمی‌شود زیرا که با دسترسی به بازارهای جهانی از طریق تولید توانسته‌اند به درآمدهای بالا دست یابند. در دو دهه اخیر قرن بیستم نیز برخی از کشورهای در حال توسعه با اجرای اصلاحات بنیادی توانسته‌اند به رشد اقتصادی چشمگیری نائل آیند. بازندگان همان کشورهای هستند

که به حاشیه رانده شده‌اند. این ضرر کنندگان واقعی از جهانی شدن، کشورهای هستند که نتوانسته‌اند از طریق مشارکت در این فرایند بهره‌ای را نصیب ملت‌های خود نمایند.

پیشنهادات

در اینجا اقداماتی عملی برای کشورهای جنوب از نظر داخلی و جهانی پیشنهاد می‌شود تا بتوانند در این فرایند رو به رشد در موقعیت بهتری قرار گیرند و از به حاشیه رفتن بیش از پیش مردم و فقیر شدن روز افزون آنها جلوگیری به عمل آید. اقدامات موثری که می‌توانند به سودمند بودن جهانی شدن برای کشورهای فقیر منتهی شوند در قالب چند توصیه در ذیل منعکس می‌شود که با به کار بستن آنها می‌توان تهدیدات و مضار جریان جهانی را تا حد زیادی تقلیل داد.

برای رفع موانع قابل توجه بر سر راه تجارت آزاد اولین اقدام شامل «دور توسعه‌ای» برای مذاکرات تجاری می‌باشد. دور توسعه‌ای قبل از هر چیز می‌باید اولویت دسترسی کشورها به بازار جهانی را مد نظر داشته باشد. کشورهای ثروتمند اغلب سیستم حمایتی خود را درست در بخش‌هایی که کشورهای در حال توسعه از امتیاز رقابتی برخوردار هستند، برقرار می‌کنند بنابراین اگر این حمایت‌ها کاهش یابد بزرگترین کمک در حق کشورهای فقیر انجام گرفته شده است.

مضاف بر این کشورهای در حال توسعه، منافع بیشتری از بابت دسترسی به بازار کشورهای دیگر توسعه نیافته کسب نمایند لیکن موانع موجود تجاری بین اینگونه ممالک خیلی بیشتر از کشورهای توسعه یافته می‌باشد. بنابراین رفع این موانع جهت بهبودی در دسترسی به بازارهای یکدیگر موضوعات خوبی در مذاکرات چند جانبه این کشورها باشد.

کشورهای توسعه یافته اصرار می‌ورزند که توافقات تجاری نباید نیروی کار و یا استاندارد های زیست محیطی کشورهای فقیر را در بر گیرد، که این مغایر تلاش جوامع در سراسر جهان برای بهبودی موارد فوق الذکر است. بنابراین کشورهای ثروتمند با اتخاذ روش‌های مثبتی در این زمینه باید حسن نیت خود را نسبت به فرایند جهانی شدن اقتصاد مبدول دارند. اثر تحریم های تجاری بر کشورها در نیروی کار و شرایط زیست محیطی

جهان اول تاثیر چندانی ندارد، اما از آنجا که برای هر اقدام مناسب احتیاج به منابع کافی وجود دارد، این تحریم‌ها می‌توانند بر استانداردهای زندگی مردم کشورهای فقیر آسیب عمیقی داشته باشند. بی‌دلیل نیست که عنوان می‌شود تحریم‌های تجاری اقدامی غیر سازنده هستند. مضاف بر این تحریم‌های اقتصادی موجب اشکالی از حمایت‌گرایی در داخل دولت‌هایی می‌گردد که این نیز به نوبه خود از میزان آزادی اقتصادی می‌کاهد و نتیجه نهایی آن همان فقر و فلاکت است.

دومین روش بهبود شرایط سرمایه‌گذاری، در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. یک سرمایه‌گذاری خارجی زمانی کارآیی دارد که تا حدودی معافیت‌های مالیاتی و پرداخت یارانه‌ها برای شرکت‌های احداثی را به ارمغان آورد. همچنین نیاز به پاره‌ای اقدامات مربوط به مدیریت مانند کنترل فساد، کارآیی مناسب، عملی کردن مقررات، اجرای قرار دادها و حمایت از حقوق مالکیت معنوی و مادی حیاتی است. اتصال به بازارهای گوناگون داخلی و جهانی به کمک زیر ساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات، رمز یک سرمایه‌گذاری مطلوب قلمداد می‌گردد.

ایجاد زمینه برای گسترش سرمایه‌گذاری به نحو احسن در وهله اول مسئولیتی محلی و ملی است و باید بخصوص بر حل مشکلات شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک متمرکز گردد. شاغل شدن در شرکت‌های کوچک و یا متوسط در مناطق شهری و روستایی می‌تواند عامل مهمی برای ارتقای سطح استاندارد زندگی مردم فقیر در روستاها محسوب گردد. کشورهای در حال توسعه با اتخاذ سیاست‌های مناسب قادر خواهند بود که از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و اتصال به بازارهای بین‌المللی به ارائه خدماتی پردازند که به تقویت سرمایه‌گذاری مجدد منجر گردد. همچنین حضور بانک‌های خارجی در بازارهای داخلی بنیه مالی را تقویت می‌نماید. با تشویق صحیح سرمایه‌گذاری خارجی در اموری چون انرژی، بنادر، ارتباطات و سایر خدمات تجاری می‌توان به نتایج سودمندتری نائل آمد.

ادغام با بازارهای جهانی، توجه به امر آموزش را در کشورهای مختلف اعم از فقیر و غنی افزایش می‌دهد. این امر می‌تواند به عامل مثبتی برای تشویق خانواده‌ها در سرمایه‌گذاری بر روی فرزندان خود تبدیل گردد که در شرایط جدید، ارائه مناسب و مطلوب آموزش و خدمات بهداشتی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اگر افراد فقیر برای دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی

در مضیقه باشند، بسیار مشکل خواهد بود که این افراد بتوانند از نعمات همگرایی اقتصادی بهره‌مند گردند. با ارائه خدمات اجتماعی نامطلوب و غیر کافی، فرایند جهانی شدن به آسانی به افزایش نابرابری در داخل کشورها و بقای فقر مطلق مبدل می‌گردد.

پیشنهاد بعدی مربوط به بخشودگی بدهی‌های کشورهای جنوب می‌شود که نوعی کمک به این ممالک محسوب می‌گردد. اکثر کشورهای پیرامونی بخصوص ممالک آفریقایی با بدهی‌های سنگین و غیر قابل تحمل رو به رو می‌باشند. کاهش میزان بدهی‌ها به این کشورها اجازه می‌دهد تا بهتر بتوانند در فرایند جهانی شدن اقتصاد مشارکت داشته باشند. بخشودگی بدهی‌های کشورهای جنوب زمانی مثمر ثمر است که همراه با سیاست‌های اصلاحی باشد. این بخشودگی‌ها تغییرات مثبتی را برای کشورهای پیروی کننده از سیاست‌های مطلوب و منطقی اقتصادی به ارمغان می‌آورند. هر چند سیاست‌های کاربردی برای جهانی شدن ابتدا از بخش اقتصاد شروع شد، که هدف آن افزایش درآمد و استاندارد‌های زندگی مردم فقیر بوده است، اما در کنار بعد اقتصادی جهانی شدن، موضوعات غیر اقتصادی دیگری نیز وجود دارند که باید به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- ۱- برنر، یان، بحران در اقتصاد جهانی، ترجمه: مرتضوی، حسن، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۱.
- ۲- پاول، مارک هندی، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مهدوی، مسعود، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- ۳- دهشیری، محمد، هویت ملی و جهانی شدن، مجله مطالعات ملی، شماره ۵، تهران، ۱۳۷۹.
- ۴- رحیمی، رضا، جهانی شدن و ۶ فرضیه، تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- روزنا، جیمز، پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، ترجمه: صادقی، احمد، مجله سیاست خارجی شماره ۴، تهران، ۱۳۷۸.
- ۶- سجادی، عبدالقیوم، جهانی شدن و جهان اسلام، فرصت‌ها و تهدیدها، کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۲.
- ۷- قره باغیان، مرتضی، فرهنگ اقتصاد بازرگانی، تهران، انتشارات رسا، ۱۳۷۶.
- ۸- کیانی، داوود، پیامد و نتایج جهانی شدن، روزنامه جام جم، تهران، ۱۳۸۰.

۹- لاقای، ژرار، شناخت و درک جهانی شدن، ترجمه: محلاتی، صلاح الدین، تهران، انتشارات
چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۳.

۱۰- نادران، الیاس، جهانی شدن، چه باید کرد؟ سخنرانی ارائه شده در شانزدهمین کنفرانس
وحدت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی